این قرآن بر هفت وجه نازل شده است، پس با هر قرائتی که برای شما آسان تر است، بخوانید.

از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که می گوید: در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه وسلم از هشام بن حکیم بن حزام تلاوت سوره فرقان را شنیدم. من به قرائتش گوش فرا دادم و متوجه شدم که به صورت های مختلفی می خواند که رسول الله صلی الله علیه وسلم برای من چنین نخوانده است. نزدیک بود به او که در حال نماز بود هجوم آورم، اما صبر کردم تا سلام داد. آنگاه ردایش را بر گردنش جمع نمودم و او را گرفتم و گفتم: چه کسی قرائت این سوره را به تو یاد داده است؟ گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم برای من اینگونه خوانده است. به او گفتم: دروغ می گویی؛ به الله سوگند رسول الله صلی الله علیه وسلم همین سوره ای را که از تو شنیدم به من یاد داده است. پس او را نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم بردم و گفتم: ای رسول خدا، من از این فرد شنیدم که سوره فرقان را به گونه ای می خواند که شما به من یاد نداده اید و شما سوره ی فرقان را به من آموختید. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَرْسِلْه یا عمر، اقرأ یا هشام»: «او را رها کن عمر. ای هشام، بخوان». او نیز آنگونه که من از او شنیده بودم، خواند. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «هکذا أُنْزِلَت»: «اینگونه نازل شده است». سپس فرمود: «اقرأ یا عمر»: «ای عمر، تو بخوان». پس من همان قرائتی را خواندم که به من آموزش داده بود. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «هکذا أُنْزِلَت»: «اینگونه نازل شده است». سپس فرمود: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ أُنْزِلَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرُفٍ، فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ»: «همانا این قرآن بر هفت وجه نازل شده است. پس با هر قرائتی که برای شما آسان تر است، بخوانید».

[صحیح است] [متفق علیه]

عمر بن خطاب رضی الله عنه حکایت می کند که در زمان زنده بودن رسول الله صلی الله علیه وسلم، تلاوت سوره ی فرقان را از هشام بن حکیم رضی الله عنه شنیده است؛ اما آنچه هشام می خواند در بسیاری از الفاظ با آنچه عمر می خواند متفاوت بود. از آنجا که عمر رضی الله عنه این سوره را از رسول الله صلی الله علیه وسلم فراگرفته بود، گمان کرد که هشام اشتباه نموده است؛ وی از شدت عصبانیت نزدیک بود - با اینکه هشام مشغول نماز بود - به او حمله نموده و سرش را بگیرد. اما صبر می کند تا از نمازش فارغ شود. سپس ردایش را گرفته و در قسمت گردنش جمع می کند و به او می گوید: چه کسی این سوره را برای تو خوانده است؟ گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم برای من خوانده است. عمر گفت: دروغ می گویی. سوگند به الله که رسول الله صلی الله علیه وسلم این سوره را با قرائتی متفاوت از آنچه تو می خوانی برای من قرائت نموده است. عمر که در رابطه با دین الله بسیار سخت و محکم بود، او را گرفته و به سمت رسول الله صلی الله علیه وسلم برد. عمر گفت: یا رسول الله! من از این مرد تلاوت سوره فرقان را بگونه ای شنیدم که از شما نشنیده ام، در حالی که شما سوره قرآن را برای من تلاوت نموده اید. رسول الله صلی الله علیه وسلم به عمر دستور داد که هشام را رها کند، آنگاه به هشام دستور داد که سوره فرقان را بخواند، وقتی هشام سوره فرقان را خواند، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «همین گونه نازل شده است»، یعنی: این سوره به همان شکلی نازل شده که هشام قرائت کرد و او در خواندن این سوره آنگونه که عمر می پندارد، اشتباه نکرده است. سپس به عمر رضی الله عنه دستور داد که سوره فرقان را بخواند، ایشان خواند و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «همین گونه نازل شده است». یعنی: الله متعال این سوره را همچنانکه عمر خواند، نازل کرده است، همچنین آن را مطابق قرائتی که هشام خواند نیز نازل کرده است. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «این قرآن بر هفت وجه نازل شده است، پس هر یک از این وجوه را که برایتان آسانتر است تلاوت کنید». عمر و هشام رضی الله عنهما هر دو درست خواندند، زیرا قرآن بر بیش از یک وجه، بلکه بر هفت وجه نازل شده است. و آنچه هشام تلاوت کرد چیزی بیش از آنچه عمر تلاوت کرد، نبود و آیات بیشتری نداشت، بلکه تنها در حروف با یکدیگر اختلاف داشتند، از این رو پس از اینکه هر یک از آن دو، سوره را

خواندند، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: اینگونه نازل شده است. و این قول رسول الله صلی الله علیه وسلم: «همانا این قرآن بر هفت وجه نازل شده است. پس با هر قرائتی که برای شما آسانتر است، بخوانید»، توضیح مطلب است؛ یعنی: شما مجبور و مکلف به این نیستید که تنها بر یک وجه بخوانید، زیرا الله متعال مسیر را برای شما باز نموده و قرائت قرآن بر هفت وجه را برای شما آسان نموده است و این رحمت و فضل و بخشش الله متعال بر شماست. پس حمد و ستایش و منت از آن اوست. علما در تعیین این وجوه هفتگانه با یکدیگر به شدت اختلاف دارند. ظاهرا –والله اعلم- مقصود آن، وجوهی از وجوه زبان عرب است و قرآن در ابتدا برای آسان شدن بر مردم بر این وجوه نازل شد، زیرا عرب پراکنده، گوناگون و متعدد بودند و هر یک زبان خاص خود را داشتند و نزد این قبیله گویش و لغاتی بود که قبیله دیگر نداشت، اما وقتی اسلام میان آنها وحدت و یکپارچگی برقرار کرد و آنها را به یکدیگر پیوند داد و کینه و دشمنی و عداوت آنها توسط اسلام از بین رفت و هر یک زبان دیگری را می دانست، عثمان رضی الله عنه مردم را تنها بر یکی از این هفت حرف جمع کرد و باقی را سوزاند تا هیچ اختلافی در میان نباشد.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/10834